

دولت سعودی امنیت حجاج را تأمین کند

صفحه ۲

پنجشنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۸ | اول‌ذی‌القعده ۱۴۴۰ | ۴ جولای ۲۰۱۹ | سال یازدهم | شماره ۲۷۵۶ | صفحه ۸۰۰۰ | تومان



تغییر نام فرودگاه بندرعباس به شهدای پرواز ۶۵۵

صفحه ۲

ولادت باسعادت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها و روز دختر را شادباش می‌گوییم

تیتراهای امروز

پرونده‌های دربار **مر حوم عالی‌نسب**
پرچمدار رونق تولید از کجا شروع کرد؟

اسلام، ایران و تولید ملی



صفحه ۵

هزاران آفریقایی تبار خشمگین در واکنش به قتل یک نوجوان بی‌گناه اتیوپیایی در سرزمین‌های اشغالی تظاهرات کردند

شورش سیاهان در حیفا و تل‌آویو

صفحه ۷

«وطن‌امروز» از آخرین وضعیت سیاست‌های تنظیم بازار دولت گزارش می‌دهد

نه کالا برگ

نه کنترل بازار!

صفحه ۲

رسانه‌های دولت جزئیات فروش محموله نفتکش سالیانا را ۵ روز قبل از شبکه ۳ منتشر کرده بودند

گاف دولتی‌ها

در حمله به تلویزیون

صفحه ۸

خبر

دختر رهبر شیعیان نیجریه:

الگوی شیخ زکراکی امام خمینی است

بدیعه زکراکی، دختر شیخ ابراهیم زکراکی، رهبر شیعیان نیجریه در گفت‌وگو با فارس، امام خمینی را الگوی پدرش معرفی کرد.
وی در این‌باره گفت: در اولین سالگرد پیروزی انقلاب، شیخ و ۲ نفر دیگر انتخاب می‌شوند تا برای جشن پیروزی به ایران بیایند. وقتی آمدند با امام ملاقات می‌کنند. شیخ می‌گفت: «بعد از اینکه برگشتم چیزهایی در ایران دیدم و گفتم حالا باید در نیجریه تبلیغ را آغاز کنم. وقتی امام خمینی می‌تواند پیروز شود پس ما هم می‌توانیم».
بدیعه زکراکی افزود: دومین ملاقات شیخ با امام در بیمارستان قبل از رحلت ایشان بود. تعریف می‌کردند: «یک ضبط کوچک با خودم بردم داخل و هر چه امام فرمودند را ضبط کردم. اولین روزی که برگشتم نیجریه در هر جمعی که حاضر می‌شدم صحبت‌های ایشان را برای مردم توضیح می‌دادم. حتی نزد چند تن از علمای آنجا نیز رفتم و گفتم شما هم باید صحبت کنید و برای اسلام قیام کنید تا دوباره اسلام به کشورمان بازگردد». وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشاره به تأثیرپذیری جوانان از شیخ زکراکی گفت: در اربعین، ارتش به چند نفر تیراندازی می‌کند و یک نفر در یک هفته چند بار دستگیر می‌شود. آنها را می‌برند یادگان نظامی و شکنجه می‌کنند. یکبار یکی از این ارتشی‌ها که او را شناخته بود می‌گوید: «این شیخ به شما چه می‌دهد؟ پول می‌دهد تا شما مقاومت کنید؟ شکنجه‌تان می‌کنیم اما فردا که آزاد می‌شوید باز برمی‌گردید سر پول اول». وی افزود: شیخ ۹ فرزند داشت که ۶ پسرش به شهادت رسیدند. تا ۳ در راهپیمایی روز قدس سال ۲۰۱۴ و ۳ نفر دیگر در ۲۰۱۵ شهید شدند، آن هم در میان حدود ۱۰۰۰ شهید که خیلی‌هایشان جسد‌های‌شان هم مفقود شد. ایشان الان ۲ دختر و یک پسر دارند.

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

انتقادات صریح رئیس‌جمهور از بی‌عملی و اقدامات نمایشی اروپا

روحانی: اینستکس به هیچ دردی نمی‌خورد

■ ایران از ۱۶ تیر اقدامات بعدی را انجام خواهد داد
سطح غنی‌سازی ایران دیگر ۳/۶۷ درصد نخواهد بود و رآکتور اراک به شرایط سابق باز خواهد گشت

صفحه ۲



کسین President.ir

مظلوم‌تر از بهشتی

■ حسین قدیانی



و محصول رأی تو هستند، نه مسؤول جمهوری اسلامی! جالب است! اینگونه مواقع که نتیجه رأی بر اساس لجاج‌پزایی خود را می‌بینی، گله می‌کنی که اصلا چرا شورای نگهبان، صلاحیت این جماعت را تأیید می‌کند! حالا پرسش دوم! بینی و بین‌الله اگر شورای نگهبان، صلاحیت همین آقای روحانی را رد می‌کرد، متهمش نمی‌کردی به بستن فضا؟! و احیانا دیکتاتوری؟! ۷ تیر ۶۰ و فقط در یک جنایت، مگر نه آنکه ۷۲ تن از بهترین مسؤولان این نظام به شهادت رسیدند؟! حرفم این است؛ اگر تروری بوده و اگر تحریمی و اگر تهدیدی است. آن دیگری که از السابقتون انقلاب اما اسلامی کنار مردم می‌شنیدند و به درد دل‌شان گوش می‌کند و زندگی‌اش مثل مردم عادی است. آن دیگری فرزند رهبر انقلاب است و سوار تینا دارای نگرشی متفاوت با ما است، هنوز سوار پیکان می‌شود! دیگری با پای مجروح از جبهه و جنگ، افتخار می‌کند که عوض خدم و حشم، پراید دارد! یکی دیگر نماینده رهبر است و از شمار زندان‌رفته‌های زمان شاه و همسرش نیز پزشک با سابقه اما هنوز برای خانه‌اش میل نخواست! آن دیگری فرزند رهبر انقلاب است و سوار تینا می‌شود! و تو وقتی در پارچه قبای پدرش دقیق می‌شوی، می‌فهمی که رهبر توصیه‌کننده به مصرف کالای تولید داخل، برای خود نیز همین را تجویز می‌کند! ده‌های قبل، رفتم سراغ هم‌زمان شهید احمد کاظمی تا خاطرات‌شان را گزارشی کنم برای «کیهان» و جالب اینکه جملگی از دنیا برهیزی این سردار آسمانی، سخن‌ها گفتند! چرا صیاد که خود بهتر از همه می‌دانست منافقین تا چه حد به خویش تشنه‌اند، محافظ نخواست برای خودش؟! نابغه‌ای چون طهرانی‌مقدم، مگر چند تا صفر داشت فیش حقوقی‌اش؟! شهرباری مگر چگونه زندگی می‌کرد؟! و آیا این همه که تنها مشتی از خروار هستند، مسؤول جمهوری اسلامی نبوده و نیستند؟! گویا غریب گیر آورده‌ایم این عبارت «مسؤول جمهوری اسلامی» را! و بالاتر، خود «جمهوری اسلامی» را! بپرهیزیم از نگاه کاریکاتوری به مقوله عدالت! خانه داشتن در شمال شهر، جرم نیست! صیاد در فرمانیه بپذیر مسؤولیت رأیت را! مسؤول جمهوری اسلامی، دشت به دشت و صحرا به صحرا و وادی به وادی و آبادی به آبادی و خرابه به خرابه و بیابان به بیابان، تمام این منطقه را دنبال داعش گشت تا پای اجنبی، خاک مقدس وطن را لوده نکند تا صلح و امنیت، مستدام باشد تا مسؤول رأی تو، چنان رونقی به اقتصاد ببخشد که من و شما اصلا به این ۴۵ هزار تومان نیازی نداشته باشیم! این بار دیگر واقعا تمام! خیلی اهل بخوری‌خوری حاج‌قاسم!

پنجره‌های اتاق بیضی کاخ سفید شدند و رونمایی از گونه‌نادر از غریزدگی کردند که هرگز زنده‌یاد جلال‌الاحمد فرصت زیارت‌شان را پیدا نکرد و الاحتمالاً جلد دوم «غریزدگی» خواندنی‌تر می‌شود! الغرض! بهشتی و مطهری هم در شمار مسؤولان نظام بودند! پرسش بسیار مهم اینجاست: آیا ما در راه وزوایی و ورامینی هستیم که هم فاتح لانه جاسوسی بودند و هم فاتح نفس‌شان یا مثل آن بخش کوچک اما پرادعای بالاروندگان از دیوار سفارت که حتی اندازه یک عکس، برای مطهری؛ مطهری بزرگ، ارزش قائل نبودند و ذره‌بین انداخته بودند مگر علیه بهشتی؛ بهشتی بزرگ به سندی برسند؟! لطفاً به این جملات دقت کنید! «جمهوری اسلامی» است، چه اینکه علی‌القاعده دفاع از نهضت، آسان‌تر از دفاع از نظام است! ما همه حججی را یا همین سمانه حماسه‌آفرین سوم خرداد را و حتی روز سوم خرداد سال ۶۱ را تنها به «راده‌های انقلاب اسلامی» ربط می‌دهیم و غافل از این نکته‌ایم که امثال فهمیده و طهرانی‌مقدم و همت و متوسلیمان به «داره‌های جمهوری اسلامی» نیز مرتبط و حتی بعضاً از مردان و مدیران نظام بوده‌اند! مگر شهید مهدی باکری، شهردار همین نظام نبود؟! و مگر شهید مصطفی چمران، نماینده مجلس همین نظام نبود؟! و مگر دیالمه‌ها و قندی‌ها و کجویی‌ها و لاجوردی‌ها و شیرودی‌ها و صیاده‌ها نبود که در دفاتر همین اداره‌های نظام، میز و صندلی و سمت و پست و مقام داشتند؟! هم‌الان فراوان مدیر و دست‌اندرکار می‌شناسم که هم مشی مردمی و مشرب عدالت‌خواهانه دارند و هم موضع درست سیاسی! اما و اخیر تا از این طنز تلخ روزگار که حتی پس از شهادت مطهری هم، قلبی از فاتحان لانه جاسوسی که صلابت مدعی‌تر و بعضاً زبان‌درازتر بودند، رسماً مخالفت کردند با نصب تصویر شهید مطهری روی دیوار که «مطهری انقلابی نیست!» اینها همان‌هایی بودند که از دل اسناد سفارت، حتی دنبال پرونده‌سازی برای بهشتی مظلوم بودند تا مثلاً ثابت کنند سیدالشهدای انقلاب اسلامی که برخلاف مطهری هنوز در قید حیات بود، آمریکایی است، متکبر است، اشرافی است، دیکتاتور است، ضد مردم است و چه و چه! بماند که امام! آن‌ابرمرد حکیم بصیر روشن‌ضمیر، زد در دهان جماعت! و این نیز بماند که تشکیک‌کنندگان در حقانیت مطهری و بهشتی که این ۲ بزرگ را انقلابی یا اقلاً انقلابی کامل نمی‌دانستند، بعدها گدایان

نخستین، بلکه مهم‌ترین ثمره «انقلاب اسلامی» است! میوه‌ای برآمده از درختی نظامی متکی به نهضت! و بی‌شک اتکالی «نظام جمهوری اسلامی» به «نهضت انقلاب اسلامی» ادامه دارد! این نیست که «نهضت» تبدیل به «نظام» شده باشد و رفته باشد پی کارش در موزه‌های تاریخ! نه! «داره‌های جمهوری اسلامی» و «راده‌های انقلاب اسلامی» هر دو با هم جلو می‌روند! این درست است که گاهی امثال حقیر در عالم مطالبات آرمان‌خواهانه که سر جای خود مطالبه‌ای کاملاً درست هم هست، گاهی از کارشکنی فلان اداره نظام علیه بهمان اراده نهضت، سخن می‌گوییم لیکن همه باید مراقب باشیم که به بهانه انقلابی‌گری در زمین ضدانقلاب بازی نکنیم! قبلاً هم این را نوشته بودم و مجدداً می‌نویسم که مظلوم‌تر از «انقلاب اسلامی» همانا «جمهوری اسلامی» است، چه اینکه علی‌القاعده دفاع از نهضت، آسان‌تر از دفاع از نظام است! ما همه حججی را یا همین سمانه حماسه‌آفرین سوم خرداد را و حتی روز سوم خرداد سال ۶۱ را تنها به «راده‌های انقلاب اسلامی» ربط می‌دهیم و غافل از این نکته‌ایم که امثال فهمیده و طهرانی‌مقدم و همت و متوسلیمان به «داره‌های جمهوری اسلامی» نیز مرتبط و حتی بعضاً از مردان و مدیران نظام بوده‌اند! مگر شهید مهدی باکری، شهردار همین نظام نبود؟! و مگر شهید مصطفی چمران، نماینده مجلس همین نظام نبود؟! و مگر دیالمه‌ها و قندی‌ها و کجویی‌ها و لاجوردی‌ها و شیرودی‌ها و صیاده‌ها نبود که در دفاتر همین اداره‌های نظام، میز و صندلی و سمت و پست و مقام داشتند؟! هم‌الان فراوان مدیر و دست‌اندرکار می‌شناسم که هم مشی مردمی و مشرب عدالت‌خواهانه دارند و هم موضع درست سیاسی! اما و اخیر تا از این طنز تلخ روزگار که حتی پس از شهادت مطهری هم، قلبی از فاتحان لانه جاسوسی که صلابت مدعی‌تر و بعضاً زبان‌درازتر بودند، رسماً مخالفت کردند با نصب تصویر شهید مطهری روی دیوار که «مطهری انقلابی نیست!» اینها همان‌هایی بودند که از دل اسناد سفارت، حتی دنبال پرونده‌سازی برای بهشتی مظلوم بودند تا مثلاً ثابت کنند سیدالشهدای انقلاب اسلامی که برخلاف مطهری هنوز در قید حیات بود، آمریکایی است، متکبر است، اشرافی است، دیکتاتور است، ضد مردم است و چه و چه! بماند که امام! آن‌ابرمرد حکیم بصیر روشن‌ضمیر، زد در دهان جماعت! و این نیز بماند که تشکیک‌کنندگان در حقانیت مطهری و بهشتی که این ۲ بزرگ را انقلابی یا اقلاً انقلابی کامل نمی‌دانستند، بعدها گدایان

یادداشت امروز

اینستکس به مثابه یک نشانه

■ مهدی محمدی

راهبرد حدوداً ۳ ماهه ایران در مقابل آمریکا و کشورهای شریک آن که هدف از آن رسیدن به «موازنه فشار» با آنها بوده، اکنون در حال پشت سر گذاشتن مرحله موازنه و رسیدن به وضعیتی است که می‌تواند نوعی دست برتر برای ایران ایجاد کند. تا چند ماه قبل ارزیابی آمریکا این بود که اولاً ایران تحت فشارهای پی‌در پی ضعیف شده و اعتماد به‌نفس لازم را برای اقدام علیه آمریکا از دست داده است، ثانیاً در ایران، حمایت اجتماعی و اجماع سیاسی لازم برای پاسخ دادن به فشارهای آمریکا وجود ندارد و ثالثاً تشدید بی‌امان فشارها ایران را چنان درگیر مساله بقا کرده که به رویارویی با آمریکا هم نمی‌اندیشد چه رسد به اینکه بخواهد تنش‌ها را با آن موازنه کند یا در موضع برتر قرار بگیرد. گذار از صبر به اقدام، از اقدام به موازنه فشار و از موازنه فشار به برتری راهبردی، مسیری است که ایران کمتر از ۳ ماه است وارد آن شده و در این زمان کوتاه بخش مهمی از آن را پیموده است. مهم‌ترین نشانه اینکه مسیر فعلی درست است، همین است که اکنون متوقف کردن و خارج کردن ایران از ریلی که در آن گرفتار گرفته، تبدیل به مهم‌ترین اولویت آمریکا شده است.

اعلام کاهش تعهدات برجامی که در واقع مهم‌ترین اقدام ایران برای موازنه تنش با آمریکا بود، به سرعت معادلات را تغییر داد. ایجاد تهدید معتبر کاهش تعهدات قبل از هر چیز به دیپلماسی جان داد. اروپایی‌ها که تا قبل از این یک سال تمام را به معطل کردن ایران، ترساندن آن از تبعات ترک تعهدات و تلاش برای نشان دادن ایران پای میز مذاکره با آمریکا گذرانده بودند، به سرعت و در زمانی کوتاه سعی کردند به سازوکاری که ادعا می‌کنند هدف از آن کمک به ایران برای بهره‌مندی از عواید اقتصادی برجام است، سر و شکلی داده و آن را به زعم خودشان نهایی کنند. تهدید به کاهش تعهدات برجامی، نگه داشتن ایران در برجام را به نظر مهم‌ترین اولویت غرب تبدیل کرد و بر خلاف نظر کسانی که این اقدام را ماجراجویی و مسدود کردن راه دیپلماسی می‌دانستند، نشان داد اتفاقاً تولید فشار، به باز شدن مسیر دیپلماسی و موثر شدن آن می‌انجامد. اگر همان شب که ترامپ از برجام خارج شد، تحلیل‌های گمراه‌کننده اهزنی نمی‌کرد و ایران از همان زمان تعهدات خود را متناسب با کاهش پایبندی تعهدات طرف مقابل کاهش می‌داد، بسیاری از مشکلات و تنگناهای آنکه اکنون ایجاد شده، اساساً به شکل فعلی ایجاد نمی‌شد و خیلی وقت پیش غربی‌ها مجبور می‌شدند میان از بین رفتن برجام با اقدامات موثر برای مزیندی با آمریکا انتخاب کنند.

با این حال اروپا نشان داد به اندازه کافی آماده نیست. مرور تحولات ۲ هفته گذشته، درباره اینستکس نشان می‌دهد اروپا هنوز آماده دیپلماسی واقعی که از دید ایران چیزی جز ایستادگی پایدار و واقعی در مقابل آمریکا نیست، نشده است. فرمول فعلی اینستکس که اروپا روی میز گذاشته اولاً به معنای مدیریت بخش اعظم درآمد ملی ایران در حساب‌های متعلق به اتحادیه اروپاست که در واقع محقق‌کننده یکی از اهداف اصلی تحریم‌های آمریکا در باب خارج کردن اختیار هزینه‌کرد پول‌های ایران از دست آن و کنترل محل مصرف پولی است که ایران در اختیار دارد. این بی‌معناست که ایران به زحمت درآمد کسب کند و آن را با اجاز اروپا در محلی که اروپا «شروع» می‌داند مصرف کند، ثانیاً این فرمول یک مکانیسم پنهان برای تحمیل استانداردهای FATF به بخش‌های خصوصی و دولتی در ایران ایجاد می‌کند که مستقیماً بر خلاف سیاست ملی ایران در این زمینه است، ثالثاً مهم‌ترین مساله ایران یعنی خرید کالاهای تحریم شده توسط آمریکا در این مکانیسم هیچ راه‌حلی نیافته و بنابراین ایران مجبور خواهد بود تا همین بخش بسیار کوچکی از نیازهای خود در حوزه غذا و دارو را به قیمت بسیار گران از اروپا معادل همه تعهدات گسترده‌ای قرار بدهد که اروپا در برجام داشته و رایعا در حالی که اروپا خرید نفت از ایران را به تبعیت از تحریم‌های آمریکا صفر کرده، اساساً پول یا اعتباری در اینستکس وجود نخواهد داشت که به درخواست‌های وارداتی ایران تخصیص پیدا کند.

ادامه در صفحه ۶